فلسفه مردمی فیشته: فلسفه آینده

ترجمه آثار فیشته همچنان با شتاب ادامه دارد

گروه اندیشه: یوهان گوتلیپ فیشته، یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان غرب و از پایه‌گذاران سنت ایده‌آلیسم آلمانی است. او در ایران فیلسوف ناآشنایی نیست ولی به اندازه هم‌عصرانش مورد توجه قرار نگرفته است. چشم‌پوشی از او دلایل بسیاری می‌تواند داشته باشد. مهم‌ترینش شاید سایه‌ای بود که کانت و هگل بر او انداختند، دو فیلسوف بزرگی که قبل و بعد از او در عرصه فلسفه آلمانی پیشگام بودند. حتی می‌توان به پیچیدگی پاره‌ای از آثار فلسفی فیشته نیز اشاره کرد که مزید بر علت بوده است. با این‌حال، تردیدی نیست که فیشته فیلسوفی مؤسس است و مثل هر فیلسوف اصیل دیگری، بر میراث فیلسوفان پیش از خود تکیه می‌کند و می‌کوشد از آنها فراتر رود. در مورد فیشته می‌توان به کانت اشاره کرد. او بر این باور بود که ایده‌آلیسم استعلایی به‌تنهایی می‌تواند آزادی انسانی و ضرورت طبیعی، احساسات اخلاقی و احکام عقلانی، احساسات و اندیشه‌ها را با هم سازگار کند. او از دل نقدهایی که بر فلسفه کانتی وارد کرد نظامی فلسفی بنا نهاد و در آن فلسفه‌ای را توضیح و بسط داد که امکان این سازگاری را فراهم می‌کرد. مشهور است که آثار فیشته به‌شدت پیچیده، دشوار و سخت‌فهم‌اند. ولی او در کنار آثار فلسفی محض آثار همه‌فهمی نیز دارد با این فصل مشترک که همگی معطوف به تأسیس یک «فلسفه مردمی» است. البته مقصود فیشته هرگز فروافتادن در آن سطح از فیلسوفان مردمی زمانه خودش نبود که آنها را به دیده تمسخر می‌نگریست. آنها برخلاف روح حاکم بر زمانه خود، مخالف جریانی بودند که معطوف به نظام‌مندسازی فلسفه بود. تفاوت کار فیشته با آنها در این است که او در آثار مرتبط با فلسفه مردمی خود، شنونده یا خواننده‌اش را عاری از هرگونه پیش‌داوری و در نتیجه آماده برای قبول حقیقتی تصور می‌کند که به او عرضه می‌شود.

در یک سال گذشته توجه غیرمنتظره‌ای به فیشته در ایران شده و با شتابی حیرت‌انگیز و غیر قابل انتظار برخی از مهم‌ترین آثار او در این مدت ترجمه و منتشر شده‌اند. در این مدت کوتاه چهار کتاب از فیشته به بازار نشر ایران رسیده است. گرچه می‌توان از ترجمه آثار کلاسیک ایده‌آلیسم آلمانی استقبال کرد، هنوز مشخص نیست ترجمه این آثار پاسخ به کدام پرسش فلسفی در ایران امروز است. بدون شک این پرسش در اروپای امروز با وجود سنت‌های فلسفی غنی بلاموضوع است؛ اما در ایران بدون وجود نهاد مولد آکادمی و رشد سنت‌های فلسفی از دل پرسش‌های پاگرفته در دل این سنت‌ها همچنان جای این پرسش باقی است.

رسالت انسان در جامعه

سال گذشته «گفتارهایی درباره رسالت دانشمند» فیشته با ترجمه مثال‌زدنی اسماعیل سعادت از سوی نشر فرهنگ‌جاوید منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای از پنج گفتار یا خطابه یا درس فیشته در دانشگاه یناست که آنها را در سال ۱۷۹۴ منتشر کرد. معمولا فهم آثار فلسفی فیشته بسیار دشوار است، ولی این مجموعه از آثار عامه‌فهم اوست، زیرا گفتارهای عمومی فیشته برای دانشجویان همه دانشکده‌ها بود و مخاطبان او نه فیلسوفان، بلکه عامه درس‌خوانده‌ها بودند. او خطاب به دانشجویانی سخن می‌گوید که چنان‌که در پایان نخستین گفتارش می‌گوید، خود را وقف فلسفه کرده‌اند و این امر معنایی را روشن می‌کند که او به فلسفه مردمی می‌دهد. البته چنان‌که اشاره شد فیشته با فیلسوفان مردمی سر ستیز داشت. در نظر او، «این نوع فیلسوفان استادان فلسفه‌ای هستند که بیش از آن تنبل‌اند که تفکری بسازند که برایشان اهمیت داشته باشد و راضی‌اند به اینکه مبتذلاتی را از چیزی که آن را عرف عام‌شان می‌نامد بیرون بکشند». فیشته همچنین تأکید دارد در گفتار علمی ضرورتا باید از دیالکتیک نظام‌های متفاوت و خطاهای اجتماعی مختلف آغاز کرد. بااین‌حال، هدف فیشته در این کتاب پاسخ به این پرسش‌ها است: رسالت دانشمند چیست؟ رابطه او با جامعه انسانیت به‌طور کلی و همچنین با طبقات اجتماعی به‌طور خاص کدام است؟ با چه وسایلی دانشمند، با اطمینان تمام، رسالت والای خود را به جای آورد؟ او مفهوم دانشمند را نتیجه منطقی مقایسه آن با جامعه و رابطه آن با جامعه می‌داند. مقصودش از جامعه نیز در این کتاب، «نه تنها مملکت، بلکه به‌طور کلی همه تجمع انسان‌های عاقلی است که در مکان، در کنار یکدیگر، زندگی می‌کنند و به همین سبب با هم رابطه متقابل دارند». بنابراین فیشته رسالت دانشمند را جز در جامعه قابل تصور نمی‌داند. به این ترتیب نتیجه می‌گیرد پاسخ به پرسش «رسالت دانشمند چیست» در گرو پاسخ به پرسش دیگری است: رسالت انسان در جامعه چیست؟ و پاسخ به این پرسش را نیز مستلزم پاسخ به پرسشی والاتر می‌داند: رسالت انسان فی‌نفسه چیست، یعنی انسان تاآنجاکه فقط به‌عنوان انسان و فقط به موجب مفهوم انسان به‌طور کلی تصور می‌شود. در مجموع، اگرچه روی سخن فیشته در این گفتارها با دانشجویان است، آنها را به‌عنوان کسانی تصور می‌کند که آماده قبول حقیقت‌اند، بدون هرگونه پیش‌داوری. بنابراین شاید بتوان گفت کتاب حاضر بیشتر تبیینی و ترغیبی است تا استدلالی و از روی قصد و اراده گاهی به آن رنگ موعظه برای معتقدان و قانع‌شدگان می‌دهد. اگرچه فیشته در سال ۱۷۹۴ نسخه‌ای از «گفتارهایی درباره رسالت دانشمند» را برای کانت فرستاد و او نیز به آرای فیشته در این کتاب توجه چندانی نکرد، در مقابل تأثیر این گفتارها در دانشجویانی که آنها را تعقیب می‌کردند، نسبتا قابل توجه بود، از هولدرلین و شلینگ تا شیلر و هگل. البته هگل در نسبت با هولدرلین و شلینگ با شور و هیجان کمتر ولی با دقت فلسفی بیشتر این نوشته‌ها را خواند و درباره تفسیر شلینگ از آنها بحث کرد.

آموزه اخلاق: فلسفه عملی

با مطالعه «گفتارهایی درباره رسالت دانشمند» خواننده فارسی‌زبان آمادگی بهتری برای فهم آثار سخت‌فهم او خواهد داشت. در این زمینه، سال گذشته و امسال دو اثر مهم فیشته ترجمه و منتشر شد که در نسبت با کتاب قبلی بسیار تخصصی‌ترند: «بنیاد آموزه فراگیر دانش» از سوی نشر حکمت و «نظام آموزه اخلاق: براساس اصول آموزه دانش» از سوی نشر مرکز. «بنیاد آموزه فراگیر دانش» (۱۷۹۴-۱۷۹۵) مشهورترین اثر فلسفی فیشته است و با دو درآمدی که بعدها بدان افزود ابعاد فلسفه‌اش را روشن‌تر ساخت. فیشته کوشید نشان دهد «من» مطلق منفرد تنها خاستگاهی است که می‌توان صورت‌های معرفت بشری را به طرز دیالکتیکی از آن برکشید. فیشته در کتاب حاضر به موضوع سهم «سوژه» در شناسایی می‌پردازد. فیشته در این کتاب می‌کوشد از فلسفه کانتی نیز فراتر رود و تمامی سهم شناخت را به «سوژه» دهد و با استدلال اثبات کند که «شیء فی‌نفسه» در فلسفه کانت زائد است. او می‌کوشد با استفاده از «سوژه» و بدون اتکا به عامل در حوزه عمل و نظر به شناسایی حق بپردازد. این کتاب بنیاد نظام فلسفی فیشته در دوره ینا (۱۷۹۴-۱۷۹۹) را تشکیل می‌دهد و آرای او را درباره فلسفه دین، اخلاق، حق و ... تبیین می‌کند. ماحصل این دوره نظامی فلسفی بود که تأثیر بسیاری بر فلسفه بزرگ‌ترین فیلسوفان آلمانی، هگل و شلینگ و شوپنهاور، گذاشت.

بنیاد آموزه فراگیر دانش

ترجمه: سیدمسعود حسینی
ناشر: حکمت
چاپ اول: ۱۳۹۵
قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

این کتاب پیش‌شرط ضروری مطالعه کتاب بعدی فیشته، «نظام آموزه اخلاق»، است. «نظام آموزه اخلاق» یک سال پس از آنکه کانت نظام آموزه اخلاق خود را منتشر کرد به چاپ رسید. این کتاب عمدتا پژوهشی است در اصل اخلاق و شروط عام کاربست آن. فیشته در این کتاب می‌کوشد با اصولی که در کتاب «بنیاد آموزه فراگیر دانش» به دست می‌دهد نظامی از اخلاق بپروراند. کتاب حاضر دربردارنده تأملاتی درباره موضوعی است که از دیرباز دغدغه فیلسوفان بوده است: اخلاق و اخلاقی‌بودن کنش بشری. فیشته آموزه اخلاق را فلسفه عملی می‌دانست و تاکید داشت «همان‌طور که فلسفه نظری باید آن نظام اندیشه‌ورزی ضروری را عرضه کند که بر اساس آن، تمثلات ما با موجودی از موجودات مطابقت می‌کنند، به‌همین‌ترتیب فلسفه عملی باید شرح کاملی از آن نظام اندیشه‌ورزی ضروری به دست دهد که بر اساس آن، موجودی از موجودات با تمثلات ما مطابقت می‌کند و از آنها لازم می‌آید». او در این کتاب قصد دارد مسئولیت‌های خاص و پیامدهای عملی را خاطرنشان کند که از وظیفه علم برای محدودکردن آزادانه خویش ناشی می‌شود. در نظر فیشته «اگر قلمرو امر عملی را منطبق بر حوزه کنش بماهو کنش بگیریم، آنگاه می‌توان گفت که کل نظام آموزه دانش آکنده از عناصر عملی است. با این‌حال، فلسفه عملی به‌عنوان نوعی علم جزئی مشخصا به آن قوانین کلی عقل اهتمام دارد که تعیین می‌کنند چگونه هر شخص متعقل، قطع نظر از اوضاع یا سرشت فردی‌اش، باید کنش‌های خویش را محدود کند و باید به وجهی معین دست به عمل بزند». به این ترتیب، این فرمان‌های کلی را می‌توان موضوع آموزه کلی اخلاق دانست و به‌عنوان علمی فلسفی معرفی کرد که به ما نمی‌گوید جهان به‌راستی چگونه است، بلکه می‌گوید جهان چگونه باید به دست موجودات متعقل ساخته شود. کتاب حاضر به سه بخش عمده تقسیم شده که بخش سوم آن شامل بیش از نیمی از کل کتاب است. بخش نخست، استنتاج اصل اخلاق به‌منزله شرطی ضروری برای خودآگاهی هر انسان منفرد را دربرمی‌گیرد. بخش دوم، استنتاج کاربست‌پذیری اصل اخلاق را دربر می‌گیرد که از طریق تثبیت توانایی ما برای کنش‌گری در جهان و بر جهان از پیش موجودی که متشکل از ابژه‌ها و انسان‌های دیگر است به انجام می‌رسد. بر مبنای استنتاج‌های پیش‌تر اصل اخلاق و کاربست‌پذیری آن، بخش سوم کاربست بالفعل منظومه‌وار اصل پیش‌تر استنتاج‌شده اخلاق را نشان می‌دهد، از این طریق که نخست شروط صوری امکان کنش‌های ما را شرح می‌دهد و دوم محتوا یا ماده قانون اخلاق و سوم بخش‌بندی وظایف ما به وظایف کلی مربوط به همه انسان‌ها و وظایف جزئی مربوط به گروه‌ها و دسته‌هایی خاص از انسان‌ها، از همسران، والدین و فرزندان تا طبقات اجتماعی. بسیاری بر این باورند که فیشته در کنار کانت، در عصر مدرن، اخلاقی‌ترین نگرش را در حوزه فلسفه دارد. این کتاب به شیوه معمول فیشته، نخست در قالب شماری درسگفتار در نیم‌سال‌های ۱۷۹۶-۱۷۹۹ ایراد شد و سپس به صورت جزواتی در میان دانشجویان توزیع و سرانجام در قالب کتاب حاضر منتشر شد. این کتاب نشان می‌دهد که فیشته در قلمرو اخلاق نیز راه خود را از کانت جدا می‌کند و دیدگاه‌های نوآورانه‌ای پیش می‌کشد که بعدها مورد توجه هگل و هوسرل و حتی سارتر قرار می‌گیرد.

نظام آموزه‌های اخلاق

ترجمه: مسعود حسینی
ناشر: مرکز
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۵۴۵۰۰ تومان

برپایی جهانی درخور زندگی آدمیان

سرانجام آخرین کتابی که از فیشته به فارسی ترجمه شده پرخواننده‌ترین کتاب او، «مقصود انسان»، است که به تازگی از سوی نشر دیبایه منتشر شده است. مخاطب این کتاب برخلاف دو کتاب قبلی و حتی کتاب اول که برای همه تحصیل‌کردگان نوشته شده بود، عموم مردم است. برای فیشته، سال ۱۷۹۹ سالی سرشار از ناامیدی بود. او نه‌تنها کارش را از دست داد بلکه رفته‌رفته بسیاری از برجسته‌ترین متحدان فلسفی‌اش نیز او را رها کردند. فیشته به برلین رفت و مجبور شد در آنجا زندگی خود را از راه نوشتن و تدریس خصوصی بگذراند. اولین برنامه او در این دوران ارائه نسخه‌ای مردمی از فلسفه‌اش بود. در واقع قصد داشت شرح و تفصیلی ارائه کند که مشخصا برای تکذیب اتهام الحاد و پاسخ به نقدهای عمومی‌تر فلسفه استعلایی طرح‌ریزی شده بود. کتاب حاضر ماحصل چنین طرح و برنامه‌ای است. وقتی فیشته در آغاز سال ۱۸۰۰ کتاب «مقصود انسان» را منتشر کرد، استقبال کم‌نظیری از آن در مطبوعات شد، چنانچه نسبت به هیچ اثر دیگر او چنین اقبالی نشان داده نشده بود. این کتاب بیش از هر نوشته دیگری از او به زبان‌های مختلف ترجمه شد و آن را به پرخواننده‌ترین اثر او بدل کرد. فیشته امید داشت حال که پس از اتهام به الحاد از کرسی استادی‌اش در دانشگاه «ینا» مجبور به استعفا شده، اندیشه‌هایش را بتواند از طریق کتابی به زبان ساده و عاری از اصطلاحات فنی فلسفه به عموم عرضه کند. به زعم بسیاری از منتقدان و شارحانش در این کار نیز تقریبا موفق بود. هرچند باید به این مساله هم توجه داشت که به رغم زبان ساده‌اش باز هم به نظر بسیاری از خوانندگان، کتاب دشواری است. شاید چون اندیشه‌ای که فیشته می‌کوشد آن را منتقل کند، علی‌رغم ادعاهای مکرر خودش و به‌رغم سادگی سبک و زبانش، چندان هم ساده نیست. بااین‌حال، اگر این کتاب با دقت و حوصله خوانده شود، قابل فهم است و افق جدیدی در برابر فهم محسوسات و معقولات می‌گشاید.

کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود: شک، دانش و ایمان. خروجی فلسفه فیشته شک‌گرایی کامل است. یعنی فلسفه به معنای اخص آن پشت سر گذاشته می‌شود و به‌جای آن به عقل روی می‌آورد. ازاین‌رو، در نظر فیشته آنچه اهمیت دارد تنها یک چیز است: برپایی جهانی درخور زندگی آدمیان و معطوف به جاودانگی. او پشتوانه استوار چنین آرمانی را آگاهی «من» و خطاناپذیری در هر لحظه و شرایطی می‌داند که به «من» می‌گوید کنش درست چیست. طرح دکارتی «من فکر می‌کنم» به «من استعلایی» کانت و سپس به «من مطلق» فیشته و در نهایت به «روح مطلق» هگل رسید. برای فیشته «من» اصالتاً و مطلقاً قائم به خود است. این «من» اصل بنیادی هر شناختی است و اولین اصل نامشروط مطلق تمام شناخت انسان است. براین‌اساس اولین وصف «من» عمل بود. درواقع «من» فیشته را می‌توان عمل نامید. البته چنین عملی در حالات متعارف آگاهی به دست نمی‌آید بلکه در بنیان هر آگاهی حضور دارد. اما در نظر فیشته بالاترین وضعی که نظام اولی می‌تواند درک کند یک باید است. «من» فیشته تعلق بالذات عقل بود. براین‌اساس فیشته تاکید داشت اگر ما این توان را داریم که خود را به صورت تحقق بالذات عقل تلقی کنیم پس کانت در اشتباه بود که فاهمه نمی‌تواند به نحو شهودی عمل کند؛ چراکه عقل در بیان فیشته همواره شهودی است. بدین معنا که عقل متعلق خود را خود وضع می‌کند. همین خودتحقق‌بخشی است که به‌عنوان شهود عقلی بنیان هر تجربه ممکن قرار می‌گیرد. بدین معنا فیشته تمام امور و اشیا را به شهود عقلانی در عقل کلی (logos) درمی‌یابد. اما کار به اینجا ختم نمی‌شود، چون وحدت سوژه و ابژه با طبیعت بر بنیاد فهم مکانیکی آن و طبیعت بر بنیاد فهم ارگانیک آن ناموفق بود. درواقع طبیعت «من» را محدود می‌کند. و چون فیشته نتوانست به وحدت برسد حوزه پدیدارها را کلاً رها کرد. ازاین‌رو، «من مطلق» فیشته که نظام فلسفی‌اش با آن آغاز می‌شود یک انتزاع محض است، مثل وحدت نهایی «من» با خودش که یک ایده‌آل ناب است. بین این انتزاع و ایده‌آل، قلمرو آگاهی بالفعل و تجربه قرار دارد که همان قلمرو آزادی محدود و قلمرو طبیعت واقعی و تجربی است که فقط «برای آگاهی» وجود دارد. البته واضح است که «منی» که در این کتاب و در گفت‌وگوها سخن می‌گوید شخص نویسنده نیست، بلکه تلاشی است برای تحریک خواننده که این نقش را برعهده بگیرد و تنها به درک صرفا تاریخی آنچه گفته شده بسنده نکند. ازاین‌رو، فیشته می‌کوشد مفاهیم فلسفه خود را در چنین قابی عرضه کند و در کتاب حاضر هرآنچه را از فلسفه معاصر که بیرون از محدوده مدارس سودمند است، یک‌جا جمع کند و آن را به نحوی مطرح کند که بیشتر به درد تفکر غیرعلمی بیاید. چون این کتاب برای فیلسوفان حرفه‌ای نوشته نشده است. فلاسفه در این کتاب چیزی درنمی‌یابند که در آثار پیشین فیشته گفته نشده باشد. ازاین‌رو، کتاب حاضر برای همه خوانندگانی که از توان فهم هر کتابی به طور عام برخوردار باشند قابل فهم است. بنابراین علی‌الاصول این کتاب باید برای خواننده جذاب باشد، چون یکی از دشوارترین فیلسوفان آلمانی می‌کوشد پیچیده‌ترین مفاهیم خود را به زبانی ساده و برای همگان معرفی و بیان و یک فلسفه مردمی تاسیس کند.

گفتارهایی درباره رسالت دانشمند

ترجمه: اسماعیل سعادت
ناشر: فرهنگ جاوید
چاپ اول: ۱۳۹۵
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

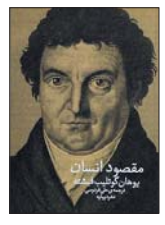

مقصود انسان

ترجمه: علی فردوسی
ناشر: دیبایه
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

مرور

برخورد نو با فرهنگ

«جامعه‌شناسی فرهنگ» از جمله گرایشات جامعه‌شناسی است که از دهه ۱۹۷۰ در حوزه مطالعات فرهنگی پا گرفت. به‌طورکلی از این حوزه به معنایی عام برای اشاره به نظریه‌پردازی‌ها و تحقیقات جامعه‌شناسان درباره فرهنگ استفاده می‌شود که با دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی مثل جامعه‌شناسی هنر، موسیقی، ادبیات، علم و معرفت، رسانه‌ها و جامعه‌شناسی دین هم‌پوشانی دارد. بااین‌حال، هرچند جامعه‌شناسی فرهنگ حوزه گسترده‌ای است ولی استوار بر نظریه‌ای خاص درباره فرهنگ نیست و در پژوهش‌های این حوزه فقط از یک روش‌شناسی واحد استفاده نمی‌شود. به‌تازگی کتابی از مجموعه «بنیان‌های مطالعات فرهنگی» از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده که با دیدگاهی جدید به این موضوع می‌پردازد و روزآمدی است از بحث‌های حاضر در این زمینه: «جامعه‌شناسی فرهنگ» اثر ریموند ویلیامز. کتاب حاضر می‌کوشد از آن دسته نشانه‌های معمول و حد و مرزهایی جاری در این حوزه فراتر رود که چشم‌انداز فرهنگی همواره با آن‌ها شناخته شده است.

جامعه‌شناسی فرهنگ

ریموند ویلیامز
ترجمه: حسن چاوشیان
ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

ویلیامز در هشت فصل ضمن تبیین موضوع جامعه‌شناسی فرهنگ، رویکرد ادبی به فرهنگ را نقد و تأکید می‌کند که جامعه‌شناسی فرهنگ نه‌تنها حوزه خود را از نو تعریف و تبیین کرده، بلکه سوالات و شواهد جدیدی را نیز وارد فعالیت‌های عمومی علوم اجتماعی کرده است. در نظر نویسنده جامعه‌شناسی فرهنگی با فرایندهای اجتماعی کل تولید فرهنگی سروکار دارد، ازجمله اشکالی از تولید که می‌توان آن‌ها را ایدئولوژی نامید. ازاین‌رو، نشان می‌دهد جامعه‌شناس فرهنگ، کارکردها و روابط اجتماعی‌ای را مطالعه می‌کند که نه‌تنها فرهنگ یا ایدئولوژی مشخصی را ایجاد می‌کند، بلکه وضعیت‌های واقعی پویایی را به وجود می‌آورد که در آن‌ها گذشته از پیوستگی‌ها، تضادها، تنش‌ها، اهتمام‌ها و انصراف‌ها، نوآوری‌ها و تغییراتی واقعی نیز وجود دارند. نویسنده می‌کوشد نهادها و تشکل‌های تولید فرهنگی، روابط اجتماعی ابزارهای خاص تولید فرهنگی را بررسی کند و به روش‌هایی در زندگی اجتماعی بپردازد که «فرهنگ» و «تولید فرهنگی» به کمک آن‌ها به‌صورت اجتماعی شناسایی و تشخیص داده می‌شود. ویلیامز تاکید دارد که جامعه‌شناسی فرهنگ باید به آشکارترین وجه ممکن، به اشکال هنری خاص توجه کند. ازاین‌رو، در این کتاب به مثال‌هایی از دنیای نمایش و تئاتر می‌پردازد. البته راهی که ویلیامز در جامعه‌شناسی فرهنگ اتخاذ می‌کند، مسیری کاملا بدیع و نوآورانه نیست. چون در آخر کتاب نشان می‌دهد در پی ایجاد «رشته بزرگ جدیدی» است که برخورد بسیار متفاوتی با فرهنگ دارد. ازاین‌رو، ضمن اینکه می‌کوشد عرصه همچنان شکل‌نیافته جامعه‌شناسی فرهنگ را به تصور درآورد، رویکرد ادبی به فرهنگ را نیز نقد می‌کند. به این اعتبار که می‌توان گفت نقد هر شکلی از مطالعات فرهنگی «فرهنگ‌شناسی امر اجتماعی» را صرفاً شاخه‌ای از نقد ادبی یا بسط نقد ادبی معرفی می‌کند. به‌این‌ترتیب، نویسنده به طور تلویحی به نقد خود نیز می‌پردازد و همچنین چارچوبی می‌سازد که در آن می‌توان امکان مخالفت و مقاومت منتقد در جامعه‌ای را تصور کرد که برای همیشه تکه‌تکه شده است.

بررسی

خواست امر امکان‌ناپذیر

آلنکا زوپانچیچ فیلسوف اسلوونیایی است که آثار او گستره وسیعی از موضوعات را دربر می‌گیرد: از فلسفه قاره‌ای، فلسفه سیاسی، مطالعات فرهنگی و نقد ادبی تا روان‌کاوی، اخلاق و الهیات. او به‌همراه اسلاوی ژیژک و ملادن دالر اعضای «پارتی ترویکا» را تشکیل می‌دهد که با ارائه خوانشی نو از فلسفه آلمانی به‌ویژه نوشته‌های کانت، هگل و آثار ادبی به‌خصوص تراژدی، قادر است ساختار و طرز کار فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت را تحلیل کند. زوپانچیچ در کتاب «اخلاقیات امر واقعی: کانت، لاکان» که اولین کتاب او نیز هست دوره نزدیکی لاکان به فلسفه کانت را با بررسی نوشته‌های او و نیز نمایش‌نامه‌های سوفوکلس، کلودل، مولیر و چند اثر فلسفی و ادبی دیگر تشریح می‌کند. کتاب حاضر اخیراً از سوی نشر آگاه به فارسی ترجمه و منتشر شده است. لاکان در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ بیشتر متفکری کانتی بود و بعد از این بود که واقعا هگلی شد. در ابتدای کتاب مقدمه‌ای از اسلاوی ژیژک با عنوان «چرا کانت ارزش جنگیدن دارد؟» آمده که در آن ژیژک به شرح لاکان از کانت می‌پردازد. به زعم او در مباحثات اخلاقی و سیاسی امروزی «بازگشت به کانت» شامل برداشت‌های مختلف لیبرال‌پساکمونیستی، از هانا آرنت گرفته تا یورگن هابرماس، از نولیبرال‌هایی نظیر لوک فری و جان رالز تا نظریه‌پردازان «مدرنیته دوم» مثل اولریش بک است. اما لاکان، کانت بسیار غیرعادی‌تری را توضیح می‌دهد که در تاریخ ایده‌ها انقلاب اخلاقی او نقطه آغازی بود که به کشف فرویدی ناخودآگاه منجر شد و بعد «فراسوی اصل لذت» را ترسیم کرد. ژیژک در مقدمه کوتاه خود این کتاب زوپانچیچ را نه‌تنها یک رخداد فلسفی اصیل بلکه مداخله‌ای تعیین‌کننده در مباحثات اخلاقی - سیاسی روز می‌داند. زوپانچیچ هدف از نگارش کتاب را اینگونه توضیح می‌دهد: «این کتاب کوششی است در جهت فراهم کردن چارچوبی مفهومی برای اخلاقیاتی که امتناع می‌کند اخلاقیات مبتنی‌بر گفتمان ارباب باشد، با این همه اخلاقیاتی که به همان اندازه گزینه ناروای اخلاقیات پست‌مدرنی را رد می‌کند که بر تقلیل افق غایی امر اخلاقی به «زندگی خویشتن» مبتنی است». (ص۲۲)

مفهوم اخلاقیات آن‌گونه که در سرتاسر تاریخ فلسفه بسط یافته از دو «ضربه توهم‌زدایی» از سوی روانکاوی آسیب دیده است. ضربه نخست با نام زیگموند فروید تداعی می‌شود و دومی با نام ژاک لاکان. ضربه فرویدی را به اخلاقیات فلسفی می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: آنچه فلسفه قانون اخلاقی می‌نامد و دقیق‌تر آنچه کانت دستور بی‌قیدوشرط می‌نامد درواقع چیزی جز سوپراگو نیست. این حکم اثر افسون‌زدودگی‌ای ایجاد می‌کند که هرگونه کوشش برای بنا نهادن اخلاقیات بر شالوده‌هایی غیر از شالوده امر پاتولوژیک را به پرسش می‌کشد. این حکم درعین‌حال اخلاقیات را در هسته چیزی قرار می‌دهد که فروید ناخوشایندی‌ها یا ملالت‌های تمدن می‌نامد. اخلاقیات تا آنجا که ریشه‌هایش را در برساخت سوپراگو دارد به چیزی بیش از یک ابزار تبدیل نمی‌شود، ابزاری سهل‌الوصول برای هرگونه ایدئولوژی‌ای که شاید تلاش کند فرمان‌های خود را به‌عنوان تمایلات حقیقتا اصیل، شرافت‌مندانه و خودانگیخته سوژه قالب کند. این تز که بر طبق آن قانون اخلاقی چیزی جز سوپراگو نیست در فصول کتاب حاضر به تفصیل بررسی شده است.

اخلاقیات امر واقعی: کانت، لاکان

آلنکا زوپانچیچ
ترجمه: علی حسن‌زاده
انتشارات آگاه
قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

دومین ضربه که روانکاوی بر استحکام اخلاقیات فلسفی وارد ساخته و به‌زعم زوپانچیچ ویرانگرتر از ضربه اول است با مقاله «کانت با ساد» لاکان به وقوع پیوست که آن را می‌توان اینگونه خلاصه کرد: بهترین چیزی که فلسفه به نام اخلاقیات برای عرضه‌کردن در چنته دارد، با بازگویی عنوان اثر مشهور ساد، نوعی «فلسفه عملی در اتاق خواب» است. لاکان برخلاف فروید و به‌رغم انتقادش از اخلاقیات سنتی نتیجه‌گیری نمی‌کند که بنابراین اخلاقیاتی که سزاوار نام اخلاقیات باشد امکان‌ناپذیر است. برعکس او اخلاقیات را تا آنجا که به میل روانکاو و ماهیت عمل روانکاوانه مربوط می‌شود به یکی از محورهای اصلی روانکاوی تبدیل می‌کند حتی اگر این امر مستلزم مفهوم‌پردازی جدید از امر اخلاقی باشد. کانت نقش مهمی را در این مفهوم‌پردازی جدید ایفا می‌کند. لاکان کانت را از همه بالاتر به سبب گسست‌اش در دو نقطه تعیین‌کننده از اخلاقیات سنتی می‌ستاید. اولی گسست او از اخلاق‌مندی‌ای است که الزامات را بر حس امکان‌پذیری تحقق آنها توضیح می‌دهد. به نظر لاکان، در اینجا نکته تعیین‌کننده این است که اخلاق‌مندی به معنای دقیق کلمه همان‌طوری که کانت نیک می‌دانست خواست امر امکان‌ناپذیر است، امکان‌ناپذیری‌ای که در آن توپولوژی میل‌مان را بازمی‌شناسیم. کانت با پافشاری بر این امر که دستور اخلاقی به آنچه ممکن است یا ممکن نیست انجام شود ربطی ندارد بعد اساسی اخلاقیات را کشف کرد: بعد میل، که پیرامون امر واقعی به مثابه امکان‌ناپذیر می‌چرخد. این بعد از گستره اخلاقیات سنتی کنار گذاشته شده بود و بنابراین برای آن فقط می‌توانست به مثابه مازاد پدیدار شود. پس نخستین گام تعیین‌کننده کانت شامل برگرفتن همان چیزی می‌شود که از عرصه سنتی اخلاقیات کنار گذاشته شده بود و نیز تبدیل‌کردن آن به یگانه قلمرو مشروع برای اخلاقیات. اگر منتقدان اغلب از کانت به سبب خواستن امر امکان‌ناپذیر انتقاد می‌کنند لاکان ارزش نظری اصلی را به این خواست کانتی نسبت می‌دهد. دومین گسست کانت از سنت که به اولی ربط دارد مخالفت‌اش با این دیدگاه بود که اخلاقیات به «توزیع امر خیر» مربوط می‌شود. کانت اخلاقیات مبتنی‌بر خواستن «آنچه برای دیگران خیر است برای من هم خیر است» را رد کرد. در فلسفه زوپانچیچ مقصود از اخلاقیات امر واقعی اخلاقیاتی نیست که به سوی امر واقعی جهت گرفته باشد، بلکه کوششی است برای بازاندیشی اخلاقیات از راه بازشناسی و تصدیق بعد امر واقعی (به معنای لاکانی کلمه) آن‌گونه که پیشاپیش در اخلاقیات عمل‌گر است. اصطلاح اخلاقیات اغلب برای اشاره به مجموعه‌ای از هنجارهایی به کار می‌رود که برای میل مانع ایجاد می‌کنند یا به آن لگام می‌زنند؛ هنجارهایی که قصد دارند کردار ما را عاری از تمامی افراط‌ها و مازادها نگه دارند. بااین‌همه، این برداشت از اخلاقیات در تصدیق این امر شکست می‌خورد که اخلاقیات ذاتا مازادین است و مازاد مولفه‌ای از اخلاقیات است که ابدا نمی‌توان آن را حذف کرد بی‌آنکه خود اخلاقیات تمام معنایش را از دست بدهد. اخلاقیات نسبت به زندگی آنگونه که تحت سیطره «اصل واقعیت» قرار دارد همواره به‌عنوان چیزی مازاد و وقفه‌ای مزاحم پدیدار می‌شود.